

تبیین رویکرد جامعه محوری پلیس

توحید عبدی
عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

چکیده

ساختار و رویکرد سازمان های متولی امنیت و نظم اجتماعی در طول تاریخ قرین تغییر و تحول اساسی بوده و با پیچیده شدن و توسعه جرم در جامعه، راهبرد، هدف، شیوه و ابزارهای تأمین امنیت نیز دچار تحول شده است. با توجه به مطالب پیشین، این مقاله در نظر دارد یکی از مدل های حاکم بر کار پلیسی برای تأمین امنیت، یعنی جامعه محوری را تبیین کند.

از ویژگی های جامعه محوری تأکید آن بر نقش مشارکت فعال مردم با پلیس و اهمیت دادن به شناخت مسئله و آرایه راهکارهای پیشگیرانه درباره جرایم و ناهنجاریهای اجتماعی است. در این مقاله، علاوه بر تبیین جامعه محوری، اصول حاکم بر این تئوری و نیز ویژگی های آن مورد بررسی قرار گرفته و به برخی از مهم ترین مؤلفه های فردی پلیس اجتماعی از جمله داشتن رابطه صمیمی با مردم، حمایت از حقوق مدنی و اجتماعی شهروندان، پاسخگو بودن در مقابل وظایف و اختیارات و ... اشاره شده و در پایان به راهکارهای مهم توسعه جامعه محوری در سازمان پلیس به اجمال پرداخته شده است.

کلید واژه ها

جامعه محوری/Community-oriented /مشارکت Participation/ حل مسئله
Threat-based /Problem Solving /پلیس اجتماعی /Community Policing /تهدید محوری

مقدمه

پیدایش سازمان های متولی امنیت در جوامع بشری دارای تاریخ و پیشینه طولانی است. از همان دوران آغاز حیات بشری تأمین امنیت و آرامش همواره جزو دغدغه های اولیه بشر بوده و به تدریج با گسترش کمی و کیفی جمعیت انسانی، سازمان های خاصی برای تأمین امنیت در جامعه تکوین یافته اند.

در کنار پیدایش و تحول سازمان های متولی امنیت، اهداف، رویکرد، روش و ابزارهای ایجاد نظم و تأمین امنیت نیز به نحوی مداوم و پیوسته در حال دگرگونی بوده است. تغییرات در جوامع و پدیده های امنیتی، فرهنگی اجتماعی موجب تغییر در سازمان، تاکتیک و استراتژی پلیس گردیده است و همچنین تغییر و تحول اساسی در ابزار قدرت در جوامع در نظام های پلیسی نیز تغییرات اساسی ایجاد نموده است، به نحوی که امروزه تأثیر مشروعیت و مقبولیت اقدامات پلیس در گسترش احساس امنیت و استقرار نظم اجتماعی کمتر از به کارگیری ابزار قهرآمیز نمی باشد.

نکات فوق نشان دهنده این امر است که مطالعه و پژوهش در اهداف، استراتژی و شیوه ها و ابزارهای تأمین امنیت در قلمرو کار پلیسی تا چه میزانی ضروری می باشد. در کنار مسئله فوق دلایل دیگری نیز برای ضرورت تبیین رویکردهای پلیسی وجود دارند که از جمله می توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱) متأسفانه در جامعه ما در خصوص امنیت خصوصاً امنیت عمومی و امنیت اجتماعی و نقش پلیس و سازوکارهای ایجاد آن در بعد نظری، کار علمی و مطالعاتی انجام نشده و جای نظریه پردازی در این خصوص خالی است، به همین دلیل مطالعات نظری درباره چستی امنیت اجتماعی و عمومی و رویکردهای امور پلیسی یک ضرورت است.

۲) نکته دوم و عامل محوری و اساسی که موجب توجه نگارنده به مسئله تبیین رویکردهای امور پلیسی و خصوصاً بحث جامعه محوری می باشد، بیانات بسیار مهم مقام معظم رهبری است که ضمن تأیید این رویکرد نوین پلیسی به تبیین علمی آن توصیه فرمودند. عین بیان ایشان چنین است:

«من الان در این میدان این نکته را گفتم که مدیریت قوی، برنامه ریزی علمی و کار بی وقفه سه پایه اصلی کار و موفقیت است که البته زمینه همه این ها بایستی نگاه درست به مقوله نظم و امنیت باشد. ما الان در نیروی انتظامی این ها را داریم یعنی نگاهی که امروز نیروی انتظامی به مقوله نظم و امنیت در جامعه دارد نگاه درستی است من در خلال حرف هایی که نیروی انتظامی می گوید و نقل می شود و در اظهارات فرمانده نیرو یا آنچه در تلویزیون به عنوان شمار مطرح می شود و ما هم می شنویم و آنچه که در مجموعه کارکردهای نیرو خودش را نشان می دهد نگاه، نگاه درستی است. یعنی مقوله نظم و امنیت را یک مقوله انسانی دانستن، برای آن راهکارهای انسانی جستجو کردن، آن را یک نیاز مورد علاقه مردم به حساب آوردن که هم مورد نیاز است و هم مورد علاقه مردم است. به دنبال راه های درست ایجاد گشتن، این ها نگاه درست به مقوله نظم و امنیت است یا به تعبیری که در گزارش امروز گفتند: نگاه مردم محوری و جامعه محوری به مقوله امنیت نه تهدید محوری که البته این ها بایست به درستی معنی و توضیح داده شود. در هر حال این نشان دهنده این است که نگاه، نگاه درستی است.»

مدل های تأمین امنیت عمومی از منظر پلیس

همراه با تغییرات جوامع، سازمان های متولی امنیت نیز در طی قرون و از زمان تکوین اولیه این سازمان ها، در فلسفه، هدف، راهبرد، تاکتیک و ساختار دچار تحول و تغییرات اساسی شده اند.

بسیاری از کسانی که به تبار شناسی دوره های تحولی سازمان های پلیسی توجه کرده و به تحقیق در این باره پرداخته اند بر وجود سه دوره مشخص تأکید دارند که عبارتند از: دوره سیاسی، دوره اصلاحات (تخصصی) و دوره پلیس اجتماعی. فلینسر (۱۳۸۳، ص ۸۴) از جمله این افراد این است که درباره وجود این سه دوره در پلیس آمریکا می نویسد. در کشور ما نیز برخی از پژوهشگران به نحوی به مطالعه جامعه شناختی و تاریخی ادوار پلیسی و راهبرد ها و مدل های حاکم بر آن پرداخته اند (عبیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۸).

در کنار تقسیم بندی فوق که بر سه دوره کار پلیسی اشاره دارد، برخی از صاحب نظران بر دو دوره یا دو مدل کار پلیسی پرداخته اند که از آن به دوره تهدید

محوری و دوره جامعه محوری تعبیر شده است. (اداره کل مطالعات، ۱۳۸۲) شاید بتوان گفت تقسیم فوق نه بر ادوار کار پلیسی بلکه بیشتر ناظر بر پارادایم های حاکم بر این امر باشد. تهدید محوری به مدلی از امور پلیسی اشاره دارد که از جهت زمانی به دوران متقدم تکوین سازمان های پلیسی اشاره داشته و نقصان و نارسایی های موجود در آن مدل یا رویکرد منجر به فراروی به مدلی است که از آن با عنوان جامعه محوری یاد می شود.

ویژگی های مدل تهدید محوری

برخی از ویژگی های پلیس تهدید محور عبارتند از:

۱) بی توجهی به مشارکت مردم در تأمین امنیت:

طبق مدل تهدید محور، پلیس تنها سازمان متولی امنیت عمومی است و این وظیفه را بدون مشارکت مردم و به تنهایی بر دوش می کشد.

۲) امنیت قابل واگذاری نیست:

طبق مدل فوق و براساس بند پیشین هیچ بخشی از امنیت قابل واگذاری به مردم و تشکل ها و نهادهای دیگر نمی باشد.

۳) امنیت سخت افزاری است:

در این مدل امنیت صرفاً بعد فیزیکی و سخت افزاری داشته و قدرت پلیس در اقتدار ظاهری و توان تخصصی و سلطه امنیتی نهفته است. در این مدل پلیس نیازی به مشروع بودن اقتدار و مقبولیت مردمی نمی بیند.

۴) امنیت اولاً و بالذات از آن حکومت و یا طبقه ویژه ای است:

در این مدل امنیت حق همگان نیست و عمومیت ندارد. اگر هست در یک سلسله مراتب تأمین می گردد. به این معنا امنیت در مرحله اول و بالذات حق حکومت و طبقه حاکم است و در کنار امنیت حکومت، امنیت عمومی نیز تأمین می شود.

۵) تقدم مقابله و واکنشی عمل کردن پلیس بر پیشگیری:

در این مدل تمام تلاش پلیس به پیگیری، تعقیب و کشف جرم معطوف می شود. قوت پلیس در تعداد کشفیات است. همین دیدگاه منجر به رهیافتی در کار پلیس می شود که از

آن به شیوه واکنشی یاد می شود. در این شیوه جرم اتفاق می افتد و کار پلیس پیگیری و کشف آن است.

ویژگی های فوق هر چند تمام آن چیزی نیست که معرف مدل و رویکرد تهدید محوری باشد ولی تا حدودی نمایانگر جهت گیری آن است.

مطالعات انجام شده نشان می دهد که شیوه های سنتی و تهدید محور مواجهه با جرم که بر تقویت ابزارها و تجهیزات پلیسی و بدون مشارکت مردم تأکید می کرد، در عمل چندان رضایت بخش نبوده و نه تنها موجب افزایش امنیت و کاهش احساس ناامنی نشده است بلکه به تعبیر مولانا «که از قضا سکنجبین صغرا فزوده است» موجب ناامنی بیشتر نیز گردیده است.

طبق مطالعات و تحقیقات به عمل آمده در اغلب کشورها (روزن بام، ۱۳۸۱، ص ۱۷۰) بدون مشارکت مردم، شیوه های سنتی تأمین امنیت عمومی نظیر واکنش سریع به گزارش های تلفنی، تلاش برای شناسایی دستگیری مهاجمان و حضور مأموران گشتی سنتی، برای افزایش امنیت عینی و کاهش ترس شهروندان از جرم کافی نیست.

برخی از نظریه پردازان عمده پلیس (روزن بام، ۱۳۸۱، ص ۱۷۱) بر این باورند که دوره اعتقاد به این مسئله که هر چه تعداد پلیس و سرعت عمل آنها بیشتر باشد معضل جرم و ترس از آن حل خواهد شد به سرآمده و جای خود را به دوره ای داده است که در آن تشریک مساعی بین مردم و پلیس افزایش یافته است.

همین مسئله درباره سه تاکتیک عمده قضایی نیز صادق است. (بیلی، ۱۳۸۳، صص ۲۰-۱۰) این سه شیوه متعارف عبارتند از: ۱) ترساندن (به مفهوم اینکه به مردم اعلام می شود در صورت تخلف به شدت و با اقتدار نسبت به سرکوب آنها اقدام خواهد شد).

۲) ناتوان ساختن (به متخلف القاء می گردد که در صورت تخطی از هنجارها و قانون شکنی به زندان محکوم و ناتوان از ارتکاب جرم خواهد شد).

۳) بازپروری (به مفهوم اینکه در زندان به بازپروری و تربیت مجرمان خواهند پرداخت).

قرن ۱۹ شاهد سلطه این رویکرد به مسئله جرم و مقابله با قانون شکنی و استقرار نظم اجتماعی و در نهایت ناتوانی آن از ایجاد جامعه ای امن بود، به همین دلیل تقریباً در کلیه جوامع این نگرش ایجاد شد که برای جلوگیری از توسعه جرم و قانون شکنی و پذیرش هنجارها و نرم اجتماعی بهترین شیوه، آموزش و اطلاع رسانی به مردم جامعه و مشارکت آنها در تأمین امنیت است. شکست یا ناکارآمدی نگاه سخت افزاری به امنیت منجر به فراروی از دوران و مدلی شد که از آن به تهدید محوری یاد کردیم و طلایعه رویکردی که از آن به پلیس اجتماعی یا پلیس مشارکت گرا یا به عبارت دیگر پلیس جامعه محور یاد می شود.

جامعه محوری چیست؟

پیش از هر گونه بحث درباره این نظریه و برای پرهیز از هر گونه پیش داوری توجه به این نکته بسیار ضروری است که پلیس جامعه محور به هیچ وجه به معنای نفی و انکار مقابله با مجرمان نمی باشد، بلکه قاطعانه تر از شیوه سنتی با این گروه به مبارزه می پردازد. با این تذکر در این بخش به تبیین موضوع، ماهیت و چیستی جامعه محوری در کار پلیسی می پردازیم.

بسیاری از کسانی که به تبیین پلیس اجتماعی یا جامعه محوری در امور پلیسی پرداخته اند از سیال، غیر ملموس و مبهم بودن این نظریه سخن به میان آورده و بعضاً آن را به دلیل اینکه حدود مشخصی ندارد یک اصطلاح غیر قابل تعریف دانسته اند (کارن، هس ۱۳۸۲، ص ۴۶) در کنار تأکید بر مبهم بودن آن تعاریف فراوانی نیز از آن به عمل آمده است. (فریدمن^۱، ۱۳۸۳) از جمله کسانی است که تعریف نسبتاً جامعی را از پلیس جامعه محور ارائه می کند: «پلیس جامعه محور عبارت است از: راهبرد و خط مشی، با هدف دست یابی به کنترل مؤثر کارآمد جرایم، کاهش ترس از جنایت، توسعه کیفیت زندگی، گسترش خدمات پلیس و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه به نام جامعه که درصدد تغییر شرایط جرم خیز هستند. این امر مستلزم مسئولیت پذیری بیشتر پلیس، سهیم شدن فعال تر و بیشتر جامعه در فرآیند تصمیم گیری و توجه بیشتر به حقوق و آزادی های مردم است.»

با توجه به تعریف فوق و سایر تعاریف موجود، از نظر نگارنده: «جامعه محوری در امور پلیس، فلسفه و راهبردی است که به مشارکت فعال شهروندان با پلیس برای کاهش ترس از جرم، حل مشکلات مربوط به جرایم و جلوگیری از وقوع آن و افزایش نظم اجتماعی و امنیت عمومی با تأکید بر حفظ حقوق و کرامت انسانی و مشروعیت اقدام پلیس نظر دارد.» ویژگی و نکته برجسته در این تعریف و سایر تعاریف به عمل آمده این است که در تمامی این ها دو موضوع اساسی مورد توجه قرار گرفته و مشاهده می شود: یکی همکاری پلیس و جامعه در کاهش جرایم و دیگری حرکت و عبور از شیوه سنتی و واکنشی و مبتنی بر وقوع حادثه، به سوی شیوه فعال مبتنی بر حل مسئله. برخی از پژوهشگران دوره انتقال از مرحله پلیس تهدید محور به پلیس جامعه محور را انقلابی در امور پلیسی می دانند.

دوره اعتقاد به این مسئله که هر چه تعداد پلیس و سرعت عمل آنها بیشتر باشد معضل جرم و ترس از آن حل خواهد شد به سر آمده و جای خود را به دوره ای داده است که در آن تشریک مساعی بین مردم و پلیس افزایش یافته و به مسایل از دیدگاه حل مشکلات پرداخته می شود. برخی این مرحله و دوره انتقال از دوره اصلاحات یا همان دوره حرفه ای گری پلیس به دوره حل مسایل را انقلابی آرام در امور پلیسی می دانند (روزن بام ۱۳۸۱، ص ۷۰). گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تبدیل این انقلاب فکری و اندیشه ای به بازدهی در عمل و سیاست عملی، نیازمند تلاش عظیم و گسترده سازمان های پلیسی و تغییر تحول ساختاری در آنها است، اینکه چگونه پلیس بتواند این انقلاب را به مرحله عملی، پذیرش عمومی، سیاست ها و برنامه های با هدف تبدیل کند و به عبارت دیگر انتقال این انقلاب به مرحله بازدهی را می توان بزرگترین مسئولیتی قلمداد کرد که مسئولان پلیس بر عهده دارند (همان منبع، ص ۱۷۱).

ابعاد و اصول کار پلیسی با مشارکت جامعه (جامعه محوری)

یکی از مسائلی که در کار پلیسی با مشارکت جامعه مورد توجه قرار گرفته و می بایست به نحوی مورد بررسی قرار گیرد، این است که اساساً جامعه محوری چگونه امری است؟ آیا یک رویکرد^۲ است یا یک راهبرد یا هر دو؟ آیا این موضوع صرفاً اشاره به بعد نظری کار پلیس دارد و بی ارتباط با تاکتیک و اقدامات پلیسی است یا اینکه بر عکس صرفاً یک شیوه و تاکتیک پلیسی است؟

این ها مسائلی است که پیرامون جامعه محوری قابلیت طرح و بررسی دارد جامعه محوری یا کار پلیسی با مشارکت جامعه دارای ابعاد متنوعی است که در یک نگاه این ابعاد- که هر یک دارای فروعات فراوانی است- عبارتند از:

(۱) بعد فلسفی؛ (۲) بعد راهبردی؛ (۳) بعد تاکتیکی؛ (۴) بعد سازمانی

(۱) بعد فلسفی

منظور از بعد فلسفی جامعه محوری، تغییر نوع نگاه به انسان، جامعه و مسائلی نظیر امنیت است. در این دیدگاه مردم صاحب حق برای داشتن امنیت جانی، مالی و آبرو بوده و از آزادی و حقوق انسانی برخوردارند. امنیت مخصوص طبقه خاصی نیست و دستگاه پلیس صرفاً برای امنیت طبقه ویژه و قدرتمندان به کار نمی رود. مقام معظم رهبری (نیروی انتظامی مظهر امنیت، ۱۳۸۳، ۱۳۴) تفاوت اهداف دستگاه های پلیس طاغوت که رویکرد تهدید محوری داشت و سازمان های متولی امنیت در نظام جمهوری اسلامی را که رویکرد جامعه محوری بر آن حاکم است چنین بیان می دارند:

«اساس نیروی انتظامی در دوران رژیم غیر مردمی و طاغوتی، برای حفظ امنیت طبقات ویژه بود، بقیه مردم هر چه بر سرشان آمد، بیاید، مهم نیست. من در همان زمان رژیم گذشته، در مناطق مرزی کشور به صورت تبعید زندگی می کردم و می دیدم که وضع آن چگونه بود. در آن جا امنیت به دست گردن کلفت ها و باج گیرهای منطقه سپرده شده بود. امنیت عبارت بود از امنیت خوانین، بزرگان و سرمایه داران منطقه، دیگران حقی از امنیت نداشتند. به همین لحاظ اگر در مناطق مختلف از کشور به خصوص در دور دست ها، آدم متنفذی، نوکران و کارگران و زیردستان خود را می زد، می کشت، حبس می کرد از زندگی و

هستی می انداخت و امنیت آنها و زن و فرزندشان را سلب می کرد ایرادی نبود و کسی نمی گفت که شما چرا این کار را کردید. اگر به پاسگاه هم شکایت می کردند شکایت کننده محکوم می شد، یعنی امنیت، امنیت طبقات ویژه بود، نه امنیت عمومی، فرضاً که در شهرهای بزرگ مثل تهران و بعضی شهرهای دیگر، پلیس بازارها و کوچه ها و خیابان ها را در همه جا زیر نظر داشت و در حقیقت این دستگاه عظیمی که در آن زمان برای امنیت کشور فراهم شده و طراحی گردیده بود، هدف اش آن بود و ... در نظام اسلامی قضیه این طور نیست. امنیت، امنیت عموم مردم است. در همه شئون زندگی، امنیت یک ضرورت برای انسان است.^{۱۱}

حضرت امام (ره) در جای جای بیانات خود در دیدار با کارکنان نیروی انتظامی به این دو تفاوت در اهداف پلیس زمان طاغوت و پلیس جمهوری اسلامی اشاره داشته و فلسفه اصلی و اساسی پیدایش و تجهیز و تقویت سازمان های متولی امنیت آن زمان را ترساندن مردم و مشروعیت قوای انتظامی و نظامی در جمهوری اسلامی را خدمت گذاری به مردم می داند (دیدگاه ها و رهنمودها، ۲).

۲- بعد راهبردی

طبق این دیدگاه کار پلیسی با مشارکت جامعه در حالی که نوعی فلسفه و واجد اعتقادات پایه ای پلیس می باشد در عین حال دارای بعد راهبردی نیز هست. در این راهبرد جهت گیری کار پلیس به تحوی تعریف و تبیین می شود که امور و اقدام ها براساس اثر بخشی کار پلیسی تعریف شده و علی رغم اینکه غالب شهروندان از اقدامات سریع، تحقیق در مورد علت وقوع حوادث و تنبیه متخلفان استقبال می کنند در این راهبرد پلیس فعالیت های خود را بر پیشگیری از وقوع جرم متمرکز می کند.

۳- بعد تاکتیکی

علاوه بر ابعاد فلسفی و جنبه راهبردی، جامعه محوری واجد بعد تاکتیکی نیز هست که در آن نظریه ها، فلسفه و راهبرد به برنامه، تاکتیک و رفتارهای عینی تبدیل می شود. این امر بیان و تأکید این نکته است که پلیس جامعه محور صرفاً یک تغییر نام بدون اقدام نیست، بلکه تمام اقدامات در چارچوب استراتژی مشخصی جریان یافته و شیوه ها، ابزارها و تاکتیک های تأمین امنیت و استقرار نظم اجتماعی ویژه ای جریان می یابد. از بعد تاکتیکی کار پلیسی با مشارکت جامعه دارای سه مولفه مهم می باشد:

۱-۳) تعامل با جامعه؛

۲-۳) مشارکت با سازمان ها، تشکل ها و عامه مردم؛

۳-۳) گرایش به حل مسئله^۲ (ترویانوویچ، ۱۳۸۳، ۵۳).

۴- بعد سازمانی

علاوه بر موارد سه گانه فوق، پلیس جامعه محور یک بعد سازمانی و ساختاری یا مدیریتی نیز دارد. به عبارت دیگر، این رویکرد ساختار ویژه ای را می طلبد و با هر ساختاری سازگار نمی باشد. در پلیس جامعه محور پلیس بسیار به سازمان های اجتماعی نزدیک می شود و در عین وجود بعد نظامی و اینکه جزو نیروهای مسلح است در عین حال با اتخاذ فلسفه، راهبرد، شیوه ها و ابزارهای نوین تأمین امنیت به تدریج از ساختار صرف نظامی فاصله گرفته و ضمن حفظ هویت سلسله مراتبی ساختار نوینی پیدا می کند.

چنانچه در مطالب پیشین گذشت جامعه محوری هر چند یک رویکرد و یک مدل حاکم بر تمام پلیس است ولی در عین حال به ساختار نیز ناظر است. در پلیس کشور ما تأکید بر اتخاذ این رویکرد در کنار تأسیس واحدهای جدید نظیر معاونت اجتماعی و توجه به پیشگیری اجتماعی و بسط و توسعه آموزش همگانی، تأسیس مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی در کلانتری ها و وجود مرکز مطالعات اجتماعی و توجه به افکار جامعه و تأسیس مرکز افکار سنجی از شاخصه های این رویکرد و ساختار به شمار می رود.

ویژگی های پلیس جامعه محور

ویژگی ها و شاخص های پلیس جامعه محور، نقطه مقابل ویژگی های رویکرد تهدید محوری است. در تهدید محوری مقابله با مجرم اصل و شیوه کار پلیسی است و ابزار پلیس برای تأمین امنیت، تجهیزات و در بهترین شرایط تخصص حرفه ای پلیس است که پس از وقوع جرم به کشف و دستگیری مجرم می انجامد. در حالی که جوهر و اساس رویکرد پلیس اجتماعی بر حل مسئله و تقدم پیشگیری بر عملکرد واکنشی پس از

جرم ابتدا داشته و بر مشارکت فعالانه مردم توجه دارد. در هر حال در این بخش به برخی از ویژگی های پلیس جامعه محور اشاره می گردد:

۱- تأمین امنیت عمومی و نظم اجتماعی با مشارکت مردم:

یکی از شاخصه های پلیس اجتماعی استفاده از توانمندی جامعه در مواجهه با معضلات، مسایل، ناهنجاری ها و جرایم است. پلیس بدون همکاری مردم و بدون مشارکت سایر نهادها نمی تواند در جلوگیری از وقوع و گسترش جرم و افزایش احساس ایمنی توفیقی داشته باشد. شغل پلیس به نحوی است که اغلب به دخالت در زندگی مردم می انجامد، کنترل وسیله نقلیه و کارت خواستن، ایست و بازرسی، دستور به توقف و مواردی دیگر وجود دارد که موجب برخوردهای منفی بین پلیس و شهروندان می شود. رویکرد جامعه محوری ضمن پذیرش اصل و ناگزیری چنین برخوردهایی تا جایی که می تواند این برخوردها را به مواجهه مثبت تبدیل می کند. از مصادیق مشارکت شهروندان می توان به استفاده از پلیس یاران جوان، همکاران داوطلب پلیس در کنترل نظم و مقررات عبور و مرور، گزارش دهندگان نامنی های خاص محلات و اشاره کرد (همان، ۵۵).

پلیس برخی از کشورها از جمله استرالیا تجارب خوبی در استفاده از مشارکت مردمی دارد و براساس مدل جامعه محوری اخیراً به اقدامات وسیعی برای تعامل با دانش آموزان دست یازیده است. پلیس این کشور با مشاهده جرایم روبه گسترش در میان جوانان پی برد که علت اصلی آن عدم آگاهی جوانان از پیامدهای جزایی جرم و نیز عدم وجود آموزش همگانی و اطلاع رسانی و فقدان بستری برای توانمندسازی جوانان در مقابله با آسیب های اجتماعی می باشد و به همین دلیل با تدوین پروژه خاصی تحت عنوان "تعامل پلیس و مدارس" برنامه وسیعی در سطح مدارس اجرا کرد که نتایج بسیار مثبتی در برداشته است. (ساتن، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

در کشور ما نیز می توان در بسیاری از حوزه های مأموریتی پلیس از توانمندی نهادها، سازمان های دولتی، تشکل های غیر دولتی و ائتلاف اجتماعی و مخصوصاً جوانان بهره گرفت. خصوصاً با توجه به گسترش دامنه اعتیاد در میان جوانان می توان در این گونه معضلات و آسیب های اجتماعی از همکاری جوانان استفاده

کرد. شیوه های سنتی مبارزه با مواد مخدر هر چند لازم است ولی کافی نیست. باید اطلاع رسانی، آموزش همگانی و افزایش مهارت های زندگی اجتماعی جوانان محور اول فعالیت سازمان های مسئول امنیت و خصوصاً پلیس باشد و در مرحله بعد خود جوانان می توانند همیاران داوطلب بسیار خوبی برای مشارکت با پلیس به شمار روند.

در هر حال امروزه آموزش همگانی و مشارکت شهروندان از عناصر اصلی کار پلیسی است و باید ادارات پلیس خصوصاً کلانتری ها و پاسگاه ها با برگزاری جلسات با خانواده ها، صنوف، انجمن های موجود و ارتباط و تعامل گسترده نسبت به مهار جرم و افزایش احساس امنیت اقدام نمایند.

۲- حل مسئله شیوه و تاکتیک پلیس برای مواجهه با جرم

رویکرد مسئله محوری یکی از ارکان جامعه محوری است و اهمیت آن تا جایی است که در تمام تعاریف جامعه محوری، حرکت و عبور از شیوه سنتی واکنشی و مبتنی بر وقوع حادثه به سوی شیوه فعال مبتنی بر حل مسئله تأکید شده است؛ به عبارت دیگر، اداره امور پلیسی از راه حل مسئله که شامل شناسایی مسایل و تصمیم گیری در مورد آن است، بهترین شیوه رویارویی با مسایل و مشکلات امنیتی و نابسامانی های انتظامی است؛ لذا یکی از شاخصه های اساسی پلیس جامعه محور، اتخاذ شیوه بازدارندگی به جای واکنشی عمل کردن است. این امر به معنای شناسایی مسایل و جستجو در مورد علت های آن می باشد. برخی از صاحب نظران امور پلیس برای به تصویر کشیدن تفاوت بین دو شیوه واکنشی پلیس و حل مسئله از یک داستان کمک می گیرند. در این داستان دو رفیق با هم در کنار رودخانه پرآبی ماهیگیری می کردند، یکی از این دو شناگر قابلی بود. در حالی که این دو مشغول ماهیگیری بودند، رودخانه جوانی را در حال دست و پا زدن و غرق شدن با خود آورد. غریق استمداد می طلبید. مرد ماهیگیر که شناگر بود به رودخانه پرید و آن جوان را نجات داد. چند لحظه بعد همین اتفاق بار دیگر تکرار شد و مرد ماهیگیر به استمداد آن هم پاسخ داد. چند لحظه بعد اتفاق و حادثه مجدداً تکرار شد. ماهیگیر پس از نجات غریق سوم برخاست و به طرف بالای رودخانه حرکت کرد. دوست وی علت آن را پرسید و او جواب داد این طوری نمی شود و این شیوه راهکار درستی

نیست که منتظر وقوع حادثه شوم بلکه باید رفت و دید چه کسی این ها را هل می دهد و به آب می اندازد باید جلوی آن را گرفت.

این داستان نشان می دهد که شیوه سنتی اقدامات پلیس و واکنش پس از وقوع جرم راهکار مناسبی نمی باشد. بلکه یافتن مسئله و از بین بردن بسترهای آن به مراتب منطقی تر از اقدامات واکنشی است.

۳- تقدم پیشگیری بر مقابله

براساس مطالب پیش گفته، پیشگیری بر درمان مقدم است و در مسایلی نظیر مشکلات جوانان باید به راهکارهای پیشگیرانه اهمیت بیشتری داده شود. در حوزه نظم اجتماعی و توسعه و گسترش رعایت نرم ها و هنجارهای اجتماعی این شیوه قطعاً اولویت دارد.

۴- روی آوردن به آموزش همگانی

آموزش مردم جزو ارکان این رویکرد است. بسیاری از مسایل جامعه را می توان با آموزش و تربیت حل کرد.

۵- آموزش پلیس

هر پلیسی قادر به اتخاذ رویکرد جامعه محوری نمی باشد، لذا باید دستگاه پلیس با جدیت به تغییر رویکرد آموزشی خود از تهدید محوری به جامعه محوری اقدام کند. در این خصوص در راهکارهای توسعه جامعه محوری نکاتی بیان خواهد شد.

۶- نرم افزاری بودن امنیت

طبق این دیدگاه امنیت و نظم اجتماعی امری نرم افزاری است. بنابراین، با استفاده از شیوه ها و تاکتیک های سخت افزاری نمی توان به توسعه و گسترش آن پرداخت.

۷- نظام اخلاقی پلیس

یکی از ویژگی های اصلی پلیس جامعه محور داشتن نظام نامه اخلاقی ویژه ای است که اساس و جوهر آن دفاع از حقوق مردم و رعایت کرامت انسانی، دفاع از نظم اجتماعی و قربانیان در مقابل متجاوزان به حقوق مردم و عمل بر طبق قانون است. شاخصه هایی که بیان شد در کنار رضایت مندی و اعتماد و مقبولیت پلیس سرمایه

اصلی این سازمان در مقابله با هر گونه جرم و ناامنی است. مواردی که بیان شد شاخصه سازمانی پلیس اجتماعی بود. در انتها به برخی ویژگی های فردی پلیس اجتماعی که کاملاً ریشه در نظام نامه اخلاقی پلیس دارد اشاره می شود.

مؤلفه های فردی پلیس اجتماعی

جامعه محوری در امور پلیسی در دو سطح سازمان و کارکنان قابل بررسی و پژوهش است. ویژگی های جامعه محوری در قلمرو سازمان بیان شد ولی لازم است کارکنان پلیس نیز دارای ویژگی ها و صفات و توانمندی های خاصی باشند که آنها را شایسته عنوان پلیس اجتماعی کند.

در کشور ما در سال های اخیر در حوزه پلیس مطلوب و نیز ویژگی های پلیس اجتماعی تحقیقات چشمگیری به انجام رسیده است که می تواند نقطه آغازی برای این گونه مطالعات باشد.

برخی از مهم ترین مؤلفه های فردی پلیس اجتماعی عبارتند از:

- ۱- آشنایی به قوانین و مقررات و خصوصاً پایبندی و رعایت حقوق شهروندان.
 - ۲- برخورداری از توانمندی، تعامل و مهارت های اجتماعی علاوه بر توانمندی حرفه ای و تخصصی.
 - ۳- داشتن رابطه صمیمی با شهروندان.
 - ۴- حمایت از حقوق مدنی و اجتماعی شهروندان.
 - ۵- پاسخگویی در مقابل اقدامات خود.
 - ۶- داشتن سجایا و فضایل اخلاقی.
 - ۷- شناخت جامعه و بصیرت اجتماعی.
- این ها و موارد دیگر در واقع همان شاخصه هایی است که پلیس مطلوب می بایست داشته باشد. چنین پلیسی در واقع آن چیزی است که در ادبیات دینی ما جزو ویژگی های متولیان امور نظم و امنیت جامعه برشمرده است.
- راهکارهای توسعه جامعه محوری در سازمان پلیس**
- برای توسعه و گسترش رویکرد جامعه محوری پلیس راهکارها و اقدامات متنوعی می توان در پیش گرفت که عبارتند از:

- ۱- درک اهمیت این رویکرد توسط فرماندهان و مدیران با توجه به تأثیر فرماندهان در سطح سازمان، مدیران پلیس باید ضمن داشتن تصویری درست از جامعه محوری نسبت به اهمیت آن نیز توجه داشته باشند.
- ۲- اعلام جامعه محوری به عنوان رویکرد پلیس در منشور مأموریت سازمان هر سازمانی باید دارای منشور مأموریتی باشد که در آن جهت گیری اصلی و هدف مبنایی سازمان شفاف آمده باشد. در چنین حالتی رویکرد جامعه محوری در سطح سازمان اجرایی شده و کلیه کارکنان به اهمیت و پایداری به آن واقف می شوند.
- ۳- تغییر آموزش تهدید محور در نظام آموزش پلیس و تبدیل آن به جامعه محوری در این راستا دانشگاه پلیس که وظیفه تربیت افسران ناجا را به عهده دارد نقش بسیار برجسته ای دارد. برای این منظور اهمیت دادن به علوم اجتماعی، علوم ارتباطات و روان شناسی در واحدهای درسی باید مدنظر برنامه ریزان باشد. در کنار آموزش عالی پلیس، آموزش چهره به چهره و عرضی کوتاه مدت نیز می تواند در توسعه این رویکرد مؤثر باشد.
- ۴- آشنا کردن مردم به حقوق مدنی و اجتماعی خود و نیز وظایف و مسئولیت مردم در استقرار و قوام نظم اجتماعی و پایداری به قانون.

منابع:

- ۱- انصاری حمید، پژوهش در وجه نظرها و رفتار مشارکتی مردم شهرستان تهران در مسایل مرتبط با وظایف ناجا و عوامل مؤثر بر آن (تحقیق ۴ جلدی)، آذرماه ۱۳۸۰.
- ۲- مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی و راهکارهای توسعه، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۳- باقری محمد، دیدگاه ها و رهنمودها، انتشارات معاونت آموزش ناجا، پاییز ۱۳۸۰.
- ۴- بیلی دیوید، پلیس آینده، ترجمه غلامرضا زندی، انتشارات معاونت آموزش ناجا، ۱۳۷۹.
- ۵- ترویانیویچ رابرت، پلیس جامعه محور، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات طرح و برنامه ناجا، چاپ اول، ۱۳۸۳.

- ۶- تقدسی مرتضی، پلیس محلی و شرایط تکوین آن درج ۱۱، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد.
- ۷- روزن بام دنیس، پیشگیری از جرم، ترجمه حمید رضا حبیبی، تابستان ۱۳۸۱.
- ۸- رویکرد جامعه محوری ناجا، اداره کل مطالعات اجتماعی ناجا، ۱۳۸۲.
- ۹- ساتن لورل، برنامه و مشارکت پلیس استرالیا با وزارت آموزش و پرورش ترجمه علی رضا جابری در مجله دوماهنامه علوم انتظامی، شماره ۲۵ و ۲۴، سال ۱۳۸۳.
- ۱۰- سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، نیروی انتظامی مظهر امنیت و اقتدار ملی (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، انتشارات عقیدتی سیاسی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۱۱- عبدی توحید و جزینی علیرضا، تحلیل بر پلیس حرفه ای و مردمی، فصلنامه دانش انتظامی سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۰.
- ۱۲- فلینسر دن و هنزل من اف، پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی و اداره امور پلیسی جامعه گرا، فصلنامه دانش انتظامی، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، سال ششم، شماره اول، ۱۳۸۳.